

\* نام کتاب: دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی

\* مؤلف / مترجم: مجید مساواتی

\* ناشر: علمیه

\* نوبت و محل چاپ: تهران، اول

\* سال نشر: ۱۳۷۲

## ۲- دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی

این اثر جزء منابع فرعی درس تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود. از جمله آثار مشابه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- درآملی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی / استفان واگو / غروی زاده
- دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی / رابرت اچ. لاور / سیدامامی
- تغییرات اجتماعی / گئی روشه / وثوقی

## الف) بررسی شکلی

اغلب از جملات بسیار طولانی مانند: پاراگراف اول ص ۸۹-۱۶۰،...؛ کلمات فارسی (عربی) و لاتین نامأنوس در متن استفاده شده است؛ مانند: واژه مسجل به جای واژه قطعی یا مشخص، واژه انسیتوسیون در صفحات ۸۵-۸۸، که فهم

مطالب را برای خواننده مشکل می‌نماید. متن موردنظر از لحاظ رعایت قواعد زبان فارسی ضعیف است و موارد متعددی از اشکالات نگارشی و ویرایشی و علامت‌گذاری در آن دیده می‌شود. از متون و ابزارهای لازم برای تفهیم مطالب استفاده شده است. اثر فاقد مقدمه، نتیجه‌گیری، خلاصه، نمایه و کتاب‌شناسی است.

### ب) بررسی محتوایی

دراکثر نظریه‌های مربوط به تغییرات اجتماعی، به نظریه‌های روان‌شناختی، نوسازی و نخبگان اجتماعی در دگرگونی‌ها و .. پرداخته می‌شود که در این کتاب بدان‌ها اشاره نشده است. با توجه به نام‌نوس و نامناسب بودن فصل‌بندی کتاب به راحتی نمی‌توان مطرح کرد که اثر جامعیت دارد یا خیر؛ مثلاً، عناوین فصول اول تا سوم کتاب عبارت‌اند از: «ملاحظه نظریه‌های جامعه‌شناسان برگزیده درباره پویایی اجتماعی»، «نظریه تقدم کار بر اندیشه» و «اصل تقدم اندیشه و نقش آن در متغیّرات اجتماعی» که در کمتر کتابی این نوع تقسیم‌بندی وجود دارد: نقل قول‌ها مشخص نشده است و نقل قول‌های مستقیم در داخل گیومه نیامده است. تأکیدهای بیش از حد بر نظریات مارکسیستی شده است (هم‌چون ص ۲۴-۸۵).

در پیش‌گفتار کتاب می‌خوانیم «زیرا تدریس این درس به عنوان درس تحقیقی و تفهیم امور و پدیده‌ها و نظریات مربوط به قوانین توسعه و تکامل اجتماعی به منظور پرورش دادن روح تفکرات جامعه‌شناسی برای افراد پویا و روشن‌فکر و واقع بین کمال اهمیت را دارد»، علاوه بر اشکالات ظاهری در این جمله، بحث از «قوانین توسعه و تکامل» در دگرگونی‌های اجتماعی اغراق‌پوزیتیویستی است که با بینش مطرح شده در نظریه‌های تغییرات اجتماعی هم‌خوانی ندارد. موارد دیگر از این نوع در متن فراوان دیده می‌شود؛ مثلاً، در بحث از تقدم کار بر اندیشه مارکسیستی در ص ۷۳، بحث از نیازهای معنوی از قبیل: ایدئولوژی و نیایش شده

است. این نوع مطالب در دیدگاه ماتریاسیتی مارکس نمی‌گنجد. به‌علاوه، اساساً مارکس ایدئولوژی را یک آگاهی کاذب می‌داند نه یک نیاز معنوی برای انسان. همین‌طور در بحث از تقدم، اندیشهٔ ماکس وبر و نظریه‌های او به عنوان ایده‌آلیست آمده و نوشته شده است: «بدین ترتیب وبر می‌خواهد تمام تحولات و تغییرات اجتماعی را ناشی از روبنای اجتماعی یا شعور اجتماعی بداند و در بین این عوامل تحقیقاتی که در زمینه مذاهب به عمل آمده، مذهب را یگانه عامل مؤثر تغییرات و تحولات اجتماعی می‌داند.» (ص ۸۷)

گذشته از اشکالات نگارشی، نویسنده ماکس وبر را یک ایده‌آلیست معرفی کرده که می‌خواهد باعامل روبنای اجتماعی یا شعور اجتماعی عامل مذهب، تغییرات و تحولات اجتماعی را تبیین کند. اول، وی رو بنا را به مذهب تقلیل داده، دوم، رو بنای اجتماعی را با شعور اجتماعی برابر دانسته و سوم، ماکس وبر را ایده‌آلیست معرفی کرده و چهارم، ماکس وبر را تک عامل‌گرا دانسته است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی